

دکتر طهرانچی:

دانشگاه آزاد اسلامی برنامه‌های جدیدی در قالب مساله محوری دارد

رئیس دانشگاه آزاد اسلامی گفت: دانشگاه آزاد اسلامی امروز در شرایطی ۳۷ ساله می‌شود که در قالب مساله محوری، برنامه‌های جدید و مهمی را پیش روی خود دارد.

به گزارش گروه دانشگاه ایسکانیوز به نقل از روزنامه فرهیختگان، به بهانه سالگرد تاسیس دانشگاه آزاد اسلامی به سراغ رئیس این دانشگاه رفتیم. او در این گفت‌وگو از نگاه خود درباره اداره دانشگاه در ایران سخن گفت، به فلسفه دانشگاه‌داری در غرب اشاره کرد و از آینده دانشگاه در ایران تحلیلی را ارائه داد. در ادامه به مساله طرح آمایش دانشگاه آزاد اسلامی اشاره شد و از چهار رکن اصلی آن یعنی آموزش، پژوهش، مهارت و فناوری پرده برداشت. گفت‌وگوی ما را با دکتر محمدمهدی طهرانچی، رئیس دانشگاه آزاد اسلامی می‌خوانید.

سوال اول را از مفهوم دانشگاه شروع کنیم. نگاه‌های متفاوتی پیرامون نهاد دانشگاه مطرح است و منبعث از این نگاه‌ها نیز شیوه اداره دانشگاه‌ها متفاوت است. نگاه آقای دکتر طهرانچی به عنوان رئیس دانشگاه آزاد اسلامی در این باره چیست؟

ما زمانی که به دانشگاه نگاه می‌کنیم، سه بحث را می‌بینیم. هر نهادی را از منظر چیستی، چرایی و چگونگی باید مورد بحث قرار داد. متأسفانه در ایران عمدتاً درباره چگونگی بحث می‌کنیم و چون چیستی را نمی‌شناسیم، لایه‌ها، مولفه‌ها و ابعاد سیستم را به خوبی شناسایی نمی‌کنیم و وقتی چرایی را نمی‌دانیم، تصویری از مکتب حاکم و رویکرد، نظریه روش‌شناسی اهداف و گزاره‌هایی که در جای دیگر شکل گرفته، نداریم و نمی‌دانیم در کدام مکتب این تصور از فلان دستگاه شکل گرفته است؟! این دانشگاه، دانشگاهی نیست که ما می‌شناسیم و باید از پارادایم‌ها بیرون بیاییم. اگر در وهله اول بدانیم آنچه که هست در کدام پارادایم قرار دارد، بعد زمانی که می‌خواهیم با دانشگاه مواجهه کنیم، دیگر در آن پارادایم تعریف نمی‌کنیم.

برای اینکه دانشگاه ایرانی و اسلامی را بشناسیم، باید ابعاد و ریشه‌های دانشگاه‌های غربی را شناسایی کنیم و بعد مشابهت‌های رفتاری‌مان را با آن بشناسیم تا دیگر شعار ندهیم. همیشه این مثال را می‌زنم که دانشگاه هم ظرف و هم مظلوف است و ما ظرف را از غرب آورده و مظلوف را عوض کرده‌ایم، درحالی که ظرف هم نیازمند تغییر است. بحث بنده این است که پارادایم‌ها و رویکردهای دانشگاه غرب را بشناسیم و بعد در تعریف خودمان در رویکرد و پارادایم دانشگاه غربی نیفتیم.

دانشگاه غرب چند ویژگی دارد؛ اول اینکه این دانشگاه در امتداد مدارس دینی مسیحیت بوده است، اگر هزار و ۲۸۰ سال سابقه دارد در دهه‌های اول این دانشگاه، مدرسه دینی تربیت بوده و در این زمان غرب دانشگاه را به این نقطه‌ای که الان است، تبدیل کرد. اما در کشور ما دانشگاه یک نهاد و حوزه، نهاد دیگری بود تا اینکه انقلاب اسلامی رخ داد و امام (ره) دانشگاهی را که برآمده از مدرنیته بود، نفی نکرد، ولی مساله وحدت حوزه و دانشگاه را عنوان کردند که کار هوشمندان‌ه‌ای بود. این اقدام امام خمینی (ره) یعنی اینکه کشور یک نهاد علم می‌خواهد که این نهاد باید حواسش جمع باشد، چراکه در غرب اساساً نهاد علم، تنها نهاد دانشگاه نبود و یونیورسیتی تنها دانشگاه نبود، بلکه جهانکده بود و ما تنها هسته آن را برداشتیم و گفتیم این دانشگاه است! در حالی که غرب ارزش‌آفرینی و فرهنگ‌آفرینی را هم در همین نهاد علم دنبال می‌کرد. در کشور ما نیز حوزه و دانشگاه هر دو فرهنگ هستند، اما وقتی امام وحدت میان این دو را مطرح کرد، می‌خواست دانشگاه فرهنگ دین‌زدا را بیرون بریزد و جای آن فرهنگ توحیدی را بیاورد تا یک دانشگاه با فرهنگ توحیدی داشته باشیم.

جامعه‌شناسی دانشگاه در حوزه دانش یک بحث و در حوزه فرهنگ نیز بحث دیگری است و این وحدت نیز باید به دانشگاه سرایت می‌کرد و فرهنگ دین‌زدایانه را دور می‌ریخت. ببینید، کارکرد درونی دانشگاه تولید دانش و تولید ارزش‌های مبتنی بر فرهنگ است. در غرب دانشگاه همانند هواساز عمل می‌کند، ولی در کشور ما تا انقلاب اسلامی هم حوزه و هم دانشگاه را داشتیم که دانشگاه بنیان‌سکولار و حوزه، فرهنگ دینی را تولید می‌کرد، حال آنکه حضرت امام می‌خواست این دو با هم وحدت داشته باشند که هنوز نتوانسته‌ایم به‌طور کامل آن را انجام دهیم، البته این بدین معنا نیست که هرکس در دانشگاه است مخالف با دین بوده بلکه فضای حاکم بر این مینا بود. هر جامعه‌ای سه بعد اثرگذاری اقتصادی، اجتماعی و فناوری را برای دانشگاه قائل است و مقاله تنها گفتمان درون دانشگاه است و جز آن کارکرد دیگری ندارد. درواقع مقاله تنها گفتمان نقد جریان دانش است. معتقدم دانشگاه همانند یک میوه هسته‌دار است که اگر هسته آن نباشد، قسمت پوسته آن شکل نمی‌گیرد، اما جامعه طعم شیرینی آن پوسته را دارد و در صورتی که به مردم هسته میوه را بدهیم، آنها را اذیت می‌کند، این نکته بسیار مهمی است.

منظور دقیق شما نفی مقاله‌محوری دانشگاه‌ها است؟

توجه کنید، انتقال دانش هیچ‌گاه به‌صورت شفاهی صورت نمی‌گیرد و یک جریان دانشی شکل می‌گیرد که آن هم براساس نوشتن بوده است، ولی مقاله جریان داخلی نقد دانش است، البته دانشگاهی که غرب تولید کرد دوهسته‌ای بوده و نماد پوسته بیرونی آن نیز اقتصاد، اجتماع و فناوری بوده است، ولی از سال ۲۰۰۰ به بعد اقتصاد، اجتماع و فناوری به‌شدت به هسته دانشگاه‌ها فشار آورده و به آن نفوذ کردند و مفاهیم اقتصاد دانش‌بنیان، جامعه دانایی و فناوری و نوآوری محصول نفوذ پوسته در هسته است. به عبارت دیگر، در گذشته دانشگاه فناوری تولید و اقتصاد و اجتماع را به جلو می‌برد، ولی از قرن بیستم به بعد با حضور فناوری‌های نوین، فناوری و اجتماع به یکدیگر تنیده شدند و فناوری اطلاعات این سه را با یکدیگر درهم آمیخت و یک فضای مجازی ایجاد کرد که در آن هم فناوری، هم اقتصاد و هم اجتماع را داریم؛ یعنی دانشگاه می‌خواست اقتصاد را دانش‌بنیان کند، اما در عمل دانشش اقتصادی شد. دانشگاه رفت اجتماع را دموکراتیزه کند، دانشش دموکراتیک شد، دانشگاه می‌خواست فناوری خلق کند، اما خودش تحت‌تأثیر فناوری، همه زیرساخت‌هایش متفاوت شد. دانشگاه بعد از سال ۲۰۰۰ به بعد تهدید شد و اثرات بازتابی شامل حال آن شد. اقتصاد در گذشته دانشی بود، ولی دانش‌بنیان نبود و این درهم تنیدن اقتصاد با دانش باعث شکل‌گیری اقتصاد دانش‌بنیان شد و اجتماع نیز با دانش آمیخته شد و جامعه دانایی را شکل داد. درحالی‌که قطعا در اجتماع قبلی نیز تولید علم داشتیم، اما در قرن ۲۰ با تولید فناوری‌ها و ارتباطات اجتماعی جدید، اقتصاد جدید شکل گرفت که به‌طور کلی وضعیت را تغییر داد و دانش و فرهنگ نیز از اقتصاد و فناوری و اجتماع تأثیر گرفت.

یک نگاه غالب در اداره دانشگاه‌های ایرانی این است که نگاه کالامحور به دانش و دانشگاه دارند و چنین چیزی باعث منفک شدن دانشگاه از جامعه شده تا اساسا دانشگاه نسبت به موضوعات پیرامونی خود بی‌تفاوت باشد. پیش‌تر مناسبات رفتاری جامعه تحت تأثیر اقتصاد و کسب سود نبود. ما ضرب‌المثلی داریم که تو نیکی می‌کنی و در دجله انداز که ایزد در بیابانت دهد باز، اما الان مناسبات اجتماع را نگاه کنید، حتی برخی محبت‌ها نیز با نگاه سودمحورانه شده است. این پدیده در دانشگاه‌ها هم رسوخ کرده است.

این به خاطر آن است که دانش نیز اقتصادی شده است. دانشگاه در ابتدا اقتصاد کلاسیکی داشت، ولی در مقطع ۱۹۷۵ تا ۱۹۹۰ با تبدیل دانش به نهاد اجتماعی، ابعاد اجتماعی دانشگاه بسیار پررنگ شد، اما از سال ۲۰۰۰ به بعد ابعاد اقتصادی در دانش آمیخته و علم نهاد اقتصادی اجتماعی شد، یعنی علم کالای تملک‌پذیر شد و در مقابل نیز رفتار جامعه رفتار اقتصادی است و دیگر مفاهیم ایثار و گذشت کم‌رنگ شده و رفتار خود دانشگاه اقتصادی شده است و الان غربی‌ها صریحا می‌گویند رئیس یک دانشگاه باید مدیر مالی باشد نه یک دانشمند.

در قبال این جریان یک جریان دیگر نیز شکل گرفته است که تحت عنوان جریان چپ ایده‌های سوسیالیستی طرح می‌کند و منتقد جدی این نگاه اداره دانشگاه است.

اساساً این دو جریان، جریان غربی است و جریان ما نیست. اتفاقی که در حال رخ دادن است اینکه جامعه هزینه بپردازد، مگر در گذشته نبوده است؟ ما تنها ۱۰۰ سال است که دانشگاه دولتی داریم و قبل از آن مردم هزینه می‌پرداختند، ولی اقتصاد اسلامی مالکیت را می‌پذیرد و در کنار آن هم زکات دارد، ولی سرمایه‌داری می‌گوید همه علم برای تو ما می‌گوییم بخشی از آن زکات است که باید آن را نشر داد، بدون اینکه در قبال آن پولی دریافت کرد. ما اسلام، سوسیالیست و کاپیتالیسم را داریم و غرب نیز نگاه محض دارد و علم را تملک‌پذیر کرده و جریان سوسیالیست نیز جریان اعتراضی است که البته این اعتراض نیز به غرب و همه مظاهر آن برمی‌گردد، ولی سوسیالیست نشان داده که نسخه درمان نیست.

ما پنج موج تمدن غرب را بعد از انقلاب صنعتی داریم و سوسیالیسم نیز جدید نیست و هرگاه غرب رفتارهای حاکمیت سرمایه‌داری خود را انجام می‌دهد، سوسیالیسم به‌عنوان یک جریان اعتراضی مقابل آن ایجاد می‌شود، همان‌طور که پوپولیسم، فاشیسم و... ایجاد می‌شود و اتفاقاً فاشیسم نیز در دوره امپریالیسم و فمینیسم در دوران مردسالارانه جنگ سرد ایجاد می‌شود، بحث بنده این است که سوسیالیسم جواب ما نیست، بلکه جواب غربی‌ها است و رفتارهای اسلامی ما پاسخ سوسیالیسم نیست، بلکه اسلام خودش مدل برون‌رفت از این بحث را دارد.

بگذارید صریح‌تر بپرسم؛ فرق ایده رئیس دانشگاه آزاد اسلامی با ایده مکتب نیاوران دانشگاه شریف چیست؟

اصلاً دنبال مکتب نیاوران نیستم. رویکرد دانشگاه قرن بیستم عصر دانشگاه مدرن است؛ زمانی که دانشگاه توده‌ای ایجاد می‌شود، دوسوم دانشگاه‌های انگلیس بعد از ۱۹۶۰ ایجاد شدند و جالب این است که این نهاد، هرچند با مدرنیته لیبرال ایجاد شده، اما با مدرنیته سازمان‌یافته توسعه پیدا کرده و نکته‌ای که بسیار مهم است اینکه دانشگاه توده‌ای ایجاد شده در غرب برای توسعه شهروندی و دموکرات کردن جامعه بود که در سال ۱۹۷۵ نیز ایجاد شد که به‌منظور کانون اساسی تولید دانش، جایگاهی است اساسی در تبیین ارزش‌های فرهنگی و شکل‌گیری نهادهای اجتماعی. در سال ۱۹۷۸ انقلاب اسلامی به پیروزی رسید و در سال ۱۹۸۱ دانشگاه آزاد اسلامی ایجاد شد و همین تبیین ارزش‌های فرهنگی جدید دو شکل‌گیری نهادهای اجتماعی را دنبال کرد. یکی از دلایل و نیازهایی که باعث رشد و توسعه آموزش عالی شد، تربیت انسان در سطح عالی و تعالی است؛ یعنی همین تبیین ارزش‌های فرهنگی ولی با مدل دانشگاه توده‌ای.

ارتباط بین معلم و دانشگاه در این دانشگاه نیست و بیشتر به ظهور یک جامعه فرهنگی و تحصیلکرده کمک می‌کند و کمک شایانی نیز به گسترش دموکراسی است.

بنده توسعه علمی را قبول دارم، ولی یک نهادی را درست کردیم و همان کارهایی را که غربی‌ها می‌گویند انجام دادیم. خود غربی‌ها می‌گویند سیستم آموزش عالی یکی از ابعاد اساسی زندگی اجتماعی در جهان غرب است و میزان مشارکت در کشورهای دارای درآمد متوسط ۲۱ درصد و درآمد پایین ۶ درصد است و رفتار ایران در رفتار اجتماعی همانند کشورهای غربی شد و این نکته خود آنهاست که می‌گویند جامعه مدرن محصول حرکت مهمی از یکپارچه اجتماعی مبتنی بر دین و خانواده به سمت یکپارچگی اجتماعی مبتنی بر گروه‌های شغلی است؛ یعنی آنها شیرازه دین و خانواده را ضعیف کرده و جای آن شیرازه گروه‌های شغلی را گذاشتند.

به نظر شما علت تاکید مقام معظم رهبری به گسترش آموزش عالی چیست؟

امام و رهبری نفی این حرکت را نداشتند و حرکت را به جلو کشاندند و از ریل انحراف خارج کردند؛ یعنی ظرفیت خوبی بود و این ظرفیت می‌توانست اصلاح امور را در دست بگیرد و به هیچ عنوان ظرفیت بدی نبوده است. امام(ره) نه ارتش و نه دانشگاه را منحل نکرد، رهبری نیز یا باید انفعالی با این قضیه برخورد می‌کردند یا فعال؛ که رهبری تصمیم گرفتند فعالانه حرکت کنند و خودشان نیز جلوتر از ما عمل کردند.

دانشگاهی که منبع مالی‌اش شهریه است چه مواجهه‌ای با قشر مستضعف جامعه دارد؟

این کار شدنی است. اولاً موافق اینکه فرزند خانواده تا ۳۲ سالگی نباید دغدغه پول درآوردن داشته باشد، نیستیم. بلکه معتقدم باید دانشجوی را از ۱۸ سالگی به میدان برد و برای او کار تعریف کرد و در ازای کار به او پول داد. او می‌تواند همان پول را به دانشگاه بیاورد. می‌دانید که یکی از شغل‌های مذموم در اسلام حقوق‌بگیر شدن است، لذا نباید جوان ۱۸ساله را بی‌عاری تربیت کنیم، ولی باید تناسبی بین محیط درس و شغل او ایجاد کنیم تا دانشجوی برای خود درآمد داشته باشد. این بحث‌هایی که با عنوان دانشگاه جوار صنعت داریم، در همین راستاست. ما به صنعت می‌گوییم که دو روز دانشجوی در فضای صنعتی تو کار کند و سه روز نیز درس می‌خواند و صنعت باید پول سه روز درس خواندن را بدهد.

می‌دانیم که یکی از بانک‌های بزرگ کشور غریب به ۳۰ سال در کنار دانشگاه قرار داشته است.

در جلسه‌ای به مدیرعامل بانک گفتم که ۳۰ سال پول دانشگاه نزد شما بوده است، درحالی که دانشجوی باید بیمه باشد و بانک نیز پول آن را بدهد تا زمانی که دانشجوی سر کار برود، پول را به بانک بدهد. در غرب نیز بانک برای مردم خانه می‌خرد و بعد می‌گوید فرد تا ۱۰ سال کار کند و پول را به بانک برگرداند. ما می‌گوییم بانک قراردادی با دانشجوی ببندد و بگوید زمانی که دانشجوی شاغل شد، فلان میزان از درآمدش را می‌گیرد، ولی در مقابل شهریه تحصیلش را می‌دهد و تامین اعتبار مالی از سوی یک نهاد مالی برای دانشجوی صورت می‌گیرد.

در این صورت با بحران بدهی‌های دانشجویان که اکنون در برخی کشورها مثل آمریکا وجود دارد، مواجه نخواهیم شد.

خیر این اتفاق نمی‌افتد. بهترین اقدام کار مولد است. معتقدم کار مولد را باید برای دانشجوی ایجاد کنیم و در شبکه‌های مجازی نیز به دنبال آن هستیم که برای دانشجوی فضایی را فراهم کنیم که دانشجوی در آنجا بتواند خودش درآمدزایی داشته باشد. حال اگر پدر یک دانشجوی درآمد خوبی دارد، شهریه را بپردازد، ولی اگر دانشجویی توانایی پرداخت شهریه را ندارد، زیر بار منت کسی نرود، بلکه با کار کردن شهریه را بپردازد.

در این مدلی که شما صحبت کردید، آمایش دانشگاه آزاد اسلامی به چه صورت خواهد بود؟

سال ۹۳ سیاست‌های کلی ابلاغی از سوی رهبری را داشتیم که در بند ۵ آن آمده بود ایجاد تحول در ارتباط میان نظام آموزش عالی وزارت علوم و تحقیقات با سایر بخش‌ها با توجه به بخش‌های مختلف که در ادامه درباره آنها توضیح می‌دهم، بنده اسم آن را آمایش می‌گذارم. افزایش سهم علم و فناوری در اقتصاد و درآمد ملی اولین موضوعی است که در این بند آمده بود، این همان آمایش در ارتباط با اقتصاد ملی است. به عبارت دیگر، یکی از اهداف آمایش نگاه اقتصادی است. حمایت مادی و معنوی از فرآیند تبدیل ایده به محصول و افزایش سهم محصولات و خدمات مبتنی بر دانش پیشرفته با هدف دستیابی به سهم ۵۰ درصد از میزان تولید نیز مربوط به حوزه فناوری

است. الان سهم تولید محصولات ۸۰ درصد خارجی و ۲۰ درصد داخلی است که رهبری می‌گویند این سهم باید ۵۰ درصد باشد. سومین مساله نگاه اجتماعی است که درباره‌اش این‌طور آمده: تحکیم و تعمیق پیوند حوزه و دانشگاه با تقویت همکاری‌های مستمر راهبردی و تنظیم رابطه متقابل با اشتغال و متناسب‌سازی سطوح و رشته‌های تحصیلی با نقشه جامع و نیازهای تولید و اشتغال که این بند نیز نگاه اجتماعی اقتصادی را شامل می‌شود.

در بخش فرهنگی نیز مساله افزایش مشارکت بخش غیردولتی و افزایش نگاه وقف در این حوزه را داریم که البته سوسیالیست‌ها به این موضوع توجه ندارند. به عبارت دیگر، در بحث آمایش دولتی‌ها باید حواس‌شان جمع باشد که دانشگاه آزاد اسلامی نیز سهم خودش را دارد.

توسعه و تقویت شبکه‌های عملی میان دانشگاه‌ها و بنگاه‌ها نیز از دیگر بندهای این سند آمایش است که در همین راستا باید با بنگاه‌ها و اتاق‌های بازرگانی رایزنی داشته باشیم و این مساله نیز در آمایش مهم است. دانشگاه آزاد اسلامی شبکه دانشگاهی مردمی است که درآمد آن غیردولتی است و باید ماموریت علم و کارآمدی را باید داشته باشد، با توجه به فرمایشات رهبری یک تربیت فرهنگی و دینی داریم که در این مدل آمایشی نیز باید پنج مدل را دنبال کنیم؛ یا دانش تخصصی، مهارتی، فناوری، نوآوری و اجتماعی. ما نیز سند آمایش‌مان را براساس سیاست توسعه هوشمند منطقه‌ای و شهری گذاشتیم و درست است که دانشگاه آزاد اسلامی از آمایش عالی تغذیه می‌کند، اما می‌خواهد مستقل باشد.

رویکردهای حل مساله، تربیت نیروی انسانی، افزایش دانش، تعالی فردی و اجتماعی را غربی‌ها هم بیان می‌کنند، اما برای ما نتیجه نظام تربیت انسانی، حل مساله، پژوهش و... این است که ما چهار نوع طرح آمایش داریم که یکی آموزش‌محور است و تحت عنوان دانشگاه جوار صنعت خودش را نشان می‌دهد. دیگری پژوهش‌محور است که تحت عنوان طرح پایش است، مدرسه عالی مهارت را هم داریم و آخری نیز فناورمحور است که سرای نوآوری را برای آن داریم، البته همه اینها به سیاست کلی بازمی‌گردد.

درباره آمایش آموزش‌محور نیز باید بگویم ما شناسایی، ارتباط با صنعت و تنظیم رابطه را داریم و الان دانشگاه جوار صنعت با یک مدل شروع به کار کرده است و کار مفصلی نیز در حوزه شناسایی انجام دهیم و الان می‌دانیم در هر شهر و هر استان صنایع اول کدام هستند و برای این کار نیز نرم‌افزاری داریم.

به‌طور مثال، این نرم‌افزار می‌گوید یزد کدام صنعت را دارد و رشته‌های موجود با صنعت این استان چه ارتباطی خواهد داشت. البته در جوار صنعت نیز بحث دیگری داریم که آن هم ارتباط با صنعت است تا بدانیم نیازهای این صنعت چیست؟ به‌طور مثال، ما رشته حسابداری را داریم، اما شاید این رشته با وضعیت فعلی موردنیاز صنعت نباشد و در قدم بعدی نیز تنظیم رابطه با صنعت است که در همین زمینه پروپوزال دانشجویان را به این سمت سوق می‌دهیم. البته در پژوهش نظام حکمرانی‌مان ابتر است، ولی گفته‌ایم دانشگاه آزاد اسلامی می‌خواهد به جای سازمان آموزشی به سازمان پژوهشی، فرهنگی و آموزشی تبدیل شود و در برنامه آمایش ما برای تحقق این مساله سازمانی، برنامه، ساختار و فعالیت‌ها را تغییر می‌دهیم. زمانی که طرح پایش را اعلام کردیم، به همه بخش‌ها این مساله را ابلاغ و در جوار صنعت نیز همین کار را کردیم و برای اینکه دانشگاه آزاد اسلامی رفتار سازمانی داشته باشد نه رفتار فعلیتی، درحال تغییر اجزا هستیم و بین پژوهش دانشگاهی و پژوهش تحصیلات تکمیلی و پژوهش پروژه‌های نیز تفاوت قائل می‌شویم. دانشگاه را سازمان توسعه علم مبتنی بر تربیت دانشجو گذاشته‌ایم و قرار است برنامه درسی، آموزش و برنامه پژوهشی، پژوهش و برنامه فرهنگی نیز فرهنگ را همراهی کند. البته هنوز برنامه فرهنگی نداریم و این ضعف جدی ما است. یک زمانی تهاجم نداریم، ولی چون الان با تهاجم روبه‌رو هستیم، قطعاً واکنش‌ناهیون لازم است.

دانشگاه آزاد اسلامی امروز در حالی ۳۷ ساله می‌شود که این دانشگاه در قالب مساله‌محوری، برنامه‌های جدید و مهمی را پیش روی خود دارد. این دانشگاه عنوان بزرگ‌ترین ارگان غیردولتی آموزش عالی در ایران و حتی منطقه را به خود اختصاص داده و مسئولان آن تاکید بر نقش‌آفرینی بیشتر آن دارند. رئیس دانشگاه آزاد اسلامی که این روزها پروژه‌های مهمی برای حرکت رو به جلوی دانشگاه در نظر دارد با چالش‌های عجیب و غریبی دست و پنجه نرم می‌کند.

اخیرا شایعه‌سازان دست به کار شده‌اند و پمپاژ خبرسازی را پیش می‌برند؛ خط تخریبی که از یک ماه قبل از سوی برخی رسانه‌های رژیم صهیونیستی شروع شد و حالا افتان و خیزان سر از گوشه و کنار دانشگاه در آورده است. یکی از این خبرسازی‌ها از پایگاه شروع شد. این سایت تحلیلی نزدیک به رژیم صهیونیستی که در حوزه مسائل هسته‌ای و موشکی ایران به‌روزرسانی می‌شود با گراهای خود حتی زمینه فعالیت و عملیات منافقین را فراهم می‌کند در بازه دوماه اخیر، گزارش‌های قابل تاملی درباره دکتر محمدمهدی طهرانچی که یکی از دانشمندان هسته‌ای کشور به شمار می‌رود، منتشر کرده است.

این پایگاه در تاریخ ۱۷ ۲۸ فروردین‌ماه) گزارشی با عنوان : منتشر کرد، گزارشی که در ابتدای تحلیل خود، ادعاهای قبلی آمریکایی‌ها درباره وجود برنامه‌های موشکی-هسته‌ای منتشر کرده و از محمدمهدی طهرانچی به‌عنوان یکی از چهره‌های تاثیرگذار هسته‌ای نام می‌برد. نویسنده این گزارش در ادامه درباره دکتر طهرانچی می‌نویسد که او رئیس بزرگ‌ترین و معتبرترین دانشگاه خصوصی ایران است و به‌طور موثر روی دانشجویان نظارت دارد. این پایگاه در ادامه سرحلقه بسیاری از شایعات اخیر را نشان می‌دهد، آنجایی که با اشاره به یکی از سازمان‌های پژوهشی و نوآوری‌های دفاعی با اشاره به اینکه طهرانچی در قله آموزش و پرورش استعدادها در ایران قرار دارد مدعی می‌شود که تغییرات در این سازمان محتمل و گزینه جایگزین رئیس این سازمان را طهرانچی معرفی می‌کند. البته این شایعه در گزارش جدید این پایگاه نیز تکرار شده است، تاریخ انتشار این گزارش (۲۸ فروردین) و فضا سازی صورت گرفته در داخل تصویری روشن از پشت پرده اتفاقات اخیر را نشان می‌دهد.

انتهای پیام/